

تروریسم جدید

شکی نیست که تروریسم جدیدی این بار با لباس عقیده، اندیشه، ایدئولوژی و فرهنگ ظهور کرده و هدفش نابودی همه اعتقادات به ویژه دین مبین اسلام است. جنگی تروریستی و جهانگیر به نام آرماگدون بر ضد جهان اسلام آغاز شده و بوش رهبری آن را در دست گرفته است.

یک مجله آمریکایی در سال ۲۰۰۲ میلادی با افشای این مطلب نوشت: "بسیاری از مؤسسات فرهنگی تأثیر گذار در آمریکا و روشنفکران این جامعه می کوشند، شک و شبهات درباره قرآن را گسترش دهند. این مجله همچنین از جهان مسیحیت و تبلیغات غرب به سبب خودداری از ایجاد شک و شبهات درباره صحت قرآن کریم پس از حملات ۱۱ سپتامبر برای پایان دادن به آنچه که تعصب اسلامی و ایجاد جایگزین برای آن نام نهاده، انتقاد کرده است. این تهاجم تبلیغاتی زمینه را برای بسیاری از روزنامه ها و مجلات آمریکایی و غربی و بسیاری از کشیشان صهیونیست زده جهت حمله به دین اسلام فراهم کرد. آنان دین اسلام را سرچشمه شرارتی معرفی کرده اند که آبشخور "تروریستها" است.

کانالهای تلویزیونی، مجلات و جراید آمریکایی نیز به دادگاه محاکمه قرآن کریم و حمله علیه آن تبدیل شده اند. آنان تهاجم پلیدی را نیز علیه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آغاز کرده و خواستار تخریب "کعبه" (مسجد الحرام) شده اند. مجله صهیونیستی "اسرائیل انسایدر" در همین راستا می نویسد، "آمریکاییها مانند «اسرائیلیها» با سایر ملت‌های جهان تفاوت دارند. آنان (آمریکاییها) به زندگی انسانهای بی گناه احترام می گذارند و از روی عمد شهروندان را هدف قرار نمی دهند!! و اگر شهروندی به سبب عملیات نظامی آنها زیان دید، صادقانه عذرخواهی می کنند! در مکه دو برج بلند به شکل دو مناره بسیار استوار وجود دارد که مکعبی سیاه و بزرگ را در خود گرفته اند و مسلمانان آن را می پرستند! آنها حج مقدس خود را در اطراف آن انجام می دهند. مسلمانان نمازهای خود را به سوی این نماد می خوانند، پس ناچار باید مسلمانان را به صورتی قانع کرد که اگر کمر خود را برای عبادت "خداوند ویرانی" خم می کنند، موجب می شود که دیگر قبله ای برای آنان باقی نماند! (خداوند عز و جل از چنین صفاتی پاک و منزّه است).

در ژانویه ۲۰۰۲ گری فالویل از کشیشان صهیونیست زده مسیحی که به دروغ گویی و روایت سازی درباره اسطوره های تورات مشهور بوده و ملت آمریکا را نیز بارها فریب داده است می گوید: "یهودیان نور چشم خداوند هستند، هر کس یک یهودی را آزار

رساند، انگار که انگشتان خود را در چشم خداوند فرو کرده است!" این کشیش همچنین می گوید: "باور نمی کنم که آمریکا با پشت کردن به ملت «اسرائیل» بتواند به حیات خود ادامه دهد. پروردگار با ملتها آن گونه برخورد می کند که آنها با یهودیان برخورد می کنند." او در ادامه گفت: "من معتقدم محمد یک تروریست بود. او مردی خشن و جنگجو بود." یکی دیگر از رهبران مسیحیان صهیونیست شده به نام بات رابرتسون با شرکت در یک برنامه تلویزیونی که از شبکه تلویزیونی فاکس نیوز آمریکا پخش می شد، سخنان اهانت آمیزی در حق پیامبر گرامی اسلام بر زبان آورد و آن حضرت را دزد و راهزن نامید." در نشست سالانه کلیسای شهر سنت لوئیس در مرکز ایالت میسوری آمریکا یکی دیگر از رهبران صهیونیسم زده مسیحیان تندروی آمریکا به نام "گری واینر" اهانت‌های شدیدی بر ضد رسول گرامی اسلام بر زبان راند. در خدمت به همین توطئه شیطانی فرانکلین گراهام از کشیش‌های آمریکایی در تاریخ ۲۰۰۲/۱۱/۱۰م دین اسلام را "دین شر" نامید و گفت: "باید در مقابل این دین که خشونت را ترویج می کند، ایستادگی کرد. خدای اسلام خدای ما نیست. دین اسلام دین شرارت و پلید است".

از این سخنان به خدا پناه می برم و از او طلب بخشش می کنم. آنچه که من در بالا به آنها اشاره کردم به این سبب بود که اعتقادات و توطئه های جهنمی و تروریستی استکبار جهانی که بر ضد اسلام و مسلمانان شدت یافته است، برای پیروان این دین مشخص گردد و این جنایتها و ترورها و مطامع غرب که دست به کشتار و غارت و چپاول ملتهای ستمدیده می زند بر همگان آشکار و رسوا شود. آنان شیطان را خدای خود قرار داده و بر اساس نامهایی که در کتابهای دینی شان آمده، او را می پرستند.

آنان این خدا را گاهی یهوه، گاهی خدای "اسرائیل" و گاهی نیز خدای سربازان می نامند. آنان همین خدا را نیز گاهی سست و متردد می خوانند و می گویند که این خدا اعتماد به نفس ندارد. این خدای آنان بر اساس هواهای نفسانی و شرورانه آنان رفتار می کند. این خدا به شرارت دست می زند. گاه نیز او را با خداوندگان دیگر شریک می دانند همان گونه که در کتابهای آنها آمده است، "اکنون دانستم که پروردگار از همه خدایان دیگر بزرگ تر است، زیرا او از فریب آنان آگاه بود" هر از چند گاهی نیز او را به صورت آواره ای ترسیم می کنند که در چادر سکونت دارد و پیشاپیش ملت "اسرائیل" حرکت می کند. در یکی از کتابهای مقدس آنان آمده است، "در آن شب پروردگار به ناتان گفت: برو و به بنده ام داود بگو که پروردگار چنین گفت که آیا خانه ای برای سکونت من می سازی؟ زیرا من از آن روزی که با بنی اسرائیل از مصر بیرون آمدم در خانه ای اقامت نکرده ام و همه اش در یک چادر به سر برده ام!؟ شیطان پرستان گاهی نیز خدای خود را نادان معرفی می کنند که از کاری که می کند، آگاهی ندارد و از آن پشیمان می شود همان گونه که در کتاب آنان آمده است که "پروردگار متوجه شد و از شرارت پشیمان گشت!"

آنان از کدام خدا سخن می گویند. این خدا همان شیطان ملعونی است که غرایز جنون آمیز آنان را تحریک کرده است. به همین جهت از پستی و پلیدی تمجید کرده و فضیلت و نیکی را از خود رانده و از آن متنفر شده اند. آنان موازین اخلاقی را تغییر داده اند تا بدانجا که دروغگویی و فریبکاری از ویژگیهای متناسب با سیاست جهانی شده که صهیونیستهای یهودی و مسیحی رهبری آن را به دست گرفته اند. اصطلاح مبارزه با تروریسم هم از همین سنخ است. حقیقت آن است که همان کسانی که اندیشه مبارزه با تروریسم را ترویج می کنند، خودشان رژیمهای تروریستی را در سرزمینهای ملت‌های صلح جو پدید آورده اند و نابودی و کشتارهایی که در حق سرخپوستان آمریکا انجام شد و قتل و کشتار و جنایتهایی که در حق ملت فلسطین روا داشته می شود و این ملت از سرزمینش اخراج شده، بهترین دلیل برای این مدعاست.

سوء استفاده از نکوهش تروریسم از سلاحهای دوره معاصر است که صهیونیستها در طرحهای پلید و توطئه های خود از آن برای مبارزه ضد اسلام و جنگ علیه آن بهره می گیرند. اینها همه منطق تروریسم آمریکایی است که صهیونیستهای پلید و مسیحیان منحرف و "صهیونیست شده" هدایت آن را به دست گرفته اند.